روایتی از کوشش های مردمانی که زلزله در آغاز سده ۱۴ خورشیدی

شهرشان رااز صفحه گیتی پاک کرد

سلماس باچهرهای تازه به زندگی بازگشت ماهچهره تهرانی روزنامه نگار

زلز له همواره یکی از کابوس های انسان های ساکن فلات ایر ان در تاریخ بوده است. این منطقه بر یک کر در این کرد برای در این مان می است. کمربند مهم زلزله جهان قرار گرفته است. این کابوس گاه به واقعیتی در دناک و فراموش ناشدنی، با پیامدهایی سخت تبدیل و سبب شده است ساکنان این فلات در برابر آن تدابیری بیندیشند.

زلزله در ایران هر چند سال یک بار، خاطرهای تلخ بر جای می گذارد. این بلای طبیعی در فرهنگ و اندیشه عامه، به خشم طبیعت تعبیر شده است: خشمی که در برابر بخشندگی زمین قرار می گیرد،

سیست کا بین و تبعات روحی و روانی، موجب جابه جابی آبادی ها و شهر ها از خاستگاه همیشگی شان می شود. یکی از زلز ادهایی که موجب شد شــهری در ایران به جابی دیگر منتقل شود، در شهر سلماس

آذربایجانغربی رخدادهاست.

شـهر آباد و سرسـبز سـلماس در هفدهم اردیبهشـت ۱۳۰۹ خورشـیدی بـه زلزلهای

. هشــتناک دچار شــد. این زلزله، همه شــهر

و آبادی های پیرامون را ویران کرد. شهری

ا پیشینهای از عصر حجر و با آثار باستانی و ب پیسسیده ی رستر عبر و به خرابه سعدی و اسلامی، زیر و رو و به خرابه ای غمبار تبدیل شد. سلماس زلزلهزده، دیگر قابل سکونت نبود.

تصویرهایی که از این زلزله به جای مانده اسد گواهی میدهسد هیچ بنای سسقفداری از آر

زلزله به سلامت بيرون نيامده است.

دامگه حادثه

واره

زنان در جامعه ایران، پیش روهای همکاری و همیاری اجتماعی – اقتصادی بوده اند

صندوقهای خانگی زنانه؛ یادگار زنده «واره»های قدیم

جمعه ایسران بنابر سستهای ریسای همیباری و پاریگسری مموراه بسرای برونرفت از سختی ها راهکارهایی مفید دا طراحتی و اجرا کرده است یکی از این راهکارها که به سنتی فراگیر مبدل شده است و امروزه نیز حتی در هر گوشت و کنار شیهر بدان برمی خوریم، بانکهای خانگی یا صندوقهای قرض الحسنه خُانوادگی استبیشتر شرکت کنندگان در این گونه صندوق هارزنان خانه داری اند که با پشتوانه سُرِ إِنْ الْدَازُ خَانِكُمِي بِرَاي بِهِتر كردن شَـرايط اقتصادي چنین روشی از همکاری را پیش گرفته و از نتیجه آن

در جُستوجوی اثری از «واره»های قدیم ریست و برای طرح است این ایران پیشسینه همیاریهای زنانه در روستاهای ایران آن جاکه سنتهاییش از شهرها پاس داشته می شود، بیانگر سنتهایی است که زنان در آنها با بخشیدن مقدارى از شير دوشيده شده دامها، پول يا كالايي ديگر در جمعی صمیمی، کمبودهای زندگی همنوعان را برطرف می کردند. این مشار کتهای نظاممند یا . نعاونی های سنتی، در اصطلاح «واره» به معنی نوبت یا مرتبه خوانده می شود. مرتضی فرهادی، نویسنده کتاب «واره» از واره به مثابه یک کشف پر ده برمی دارد و به واکاوی ابعــاد مختلف آن می پرداز د. براســاس حقیقات او «واره»، گونه ای سازمان غیر رسمی تعاونی سنتی زنانه در ایران، با قدمتی دیرین به شمار می آید که براســاس جمع گرایی و مشارکت اســتوار است. این گونه تعاونیهای زنانه،همه ویژگیهای یک گروه منسجم را دارد و هدف مشخصی را دنبال می کنند، رابطههایشان بی واسطه و چهره به چهره و دارای ارزش و سرانجام از یک هنجار و نظم دقیق برخوردار است. حُدود ۲میلیون زن ایرانی در سال ۱۳۳۵ خُورشیدی، در ۴۰۰هزار تعاونی تولید سسنتی واره عضو بودهاند. در ۴۰۰هزار تعاونی تولید ســنتی واره عضو بودهاند. همچنین بنا به نوشته وی، باید گفت دامنه نفوذ واره سبهسی به به موسد وی به به تمام روستاها ، ایلات و عشایر ایران را دربرمی گرفت. از اینرو، پسی میبریم که زنسان ایرانسی از دیرباز در اقتصاد خانواده نقشی موثر داشتند مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی،اقتصادی وسیاسی،اصولایکی از عوامل مهم در توسعه یک کشور به شمار می آید ر ر ر س ۱۰۰۰ مروره»می تواند زمینه حضور بیشتر زنان ایرانی در سطوح مختلف فعالیت اجتماعی را فُراهم کُند. اثــر چنین اعتمادی و نیـــز دادن حقوق شهروندی به زنان، سرعت بخشیدن به چرخهای ماشین کند توسعه در کشورمان است. مراسله یکی از مخدرات قروینی!

پایه گذاری چنین بانکهای اولیــه در دل زندگی ـهری امروز، در خور توجه اسـ همهری سرور در ر . اقتصادی ســالهای اخیر و با توجه به سود نه چندان چشمگیر بانکی و سختی در گرفتن وامهای بانکی و مسأله بهره آن، رونق این بانکهای خانگی و افزایش أنها را موجب شده است. همیاری زنان در طول برای خامه ایسانی را بهویده در زمینه های اقتصادی برای جامعه ایسان تا انسدازهای گشسوده و به بهبود شرایط کمک رسانده است. جالب است اشار ه شود. ـُـم اقتصــادُی زنــان و همراهی آنها در تشُــکیُل نخستين بار در ايران، از تاريخ مُشروطه «هفته نامه حبل المتين در مطلبي باعنوان بانک برای نخس «مراسله یکی از مخدرات قزوینی» می نویسد: «زنی در مجلس وعظ سیدجمال واعظ اصفهانی بیا خاست و گفت: دولت ایران چرا از خارجه قرض می کند، مگر مامردهایم؟من یک زن رختشوهستم و به سهم خود یک تومان می دهم. دیگر زن ها نیز حاضرند». در پی این تحر کات، برخی زنان، بخشی از جواهرات و ثروت خودرا برای تأسیس بانک در ایران دادند، زیرا بانک را

ندیده است که خاطرهای ازدواج از سنتهایی پسندیده است که خاطرهای خوش و زیبار اهمواره در زندگی آدمیان رقم می زند.

حرس وربیدا میسور نادر نید بستین رجمهی رسد در گوشته و کنار سرزمین ایران، بر گزاری مراسم ازدواج با آداب و آیین هاییی ویژه و متنب وغانجام می گیرد، این سننتها از معناهایی زندگی بخش و پیونددهنده سرشبارند که لازمه یک زندگی سالم

و پویا با احساســاتی ناب به شمار می آیند. در خطه

گيلان، آن جا كه طبيعت، دست بخشنده خود را به به این در از کرده است، در شهرهای کوچک

و روســـتاها، مراســم زیبای ازدواج جوانان با نوعی همیاری و همراهی، رنگی دگر به خود می گیرد.این

همیاری با زمین و طبیعت در پیوند بوده، با بر کت و

«درون همســرگزینی»؛ یعنی از خطه خود، همسر برمی گزینند و برای برگزاری جشــن پیوند ازدواج، مراحلی را می گذرانند. دو خانوادهای که قرار اســت

ر کیار کی وصلتی میانشان صورت گیرد، کمکهای جنسی با نقدی به عــروس و داماد می کننـــد این کمکها

در ابتــدای راه زُندگی بــرای عروس و داماد بســیار یاری خــش و مهم اســت. در شــهرهای کوچک و ____ر_ی و صمحه بسسیار پخسش و مهم اسست. در شسهرهای کوچک و ستاهای گیلان، آنجا که زندگی مردم بیشتر با

خوش آکنده می کند.

تی همراه است که پروردگار با همدلی آدمیان در کار و زندگی، در کفشان میگذارد. پیوند دو انسان از یک ُسو و پیونُدانســان باطبیعُت و یاریگریهااز ســویی دیگر، در جریــان مراحل مختلــفاز دواج، سوریی بیجر در بریس مرد سات گویای روشنی از عمق همدلی ها و همیاری ها به شسمار می آیند این همیاری ها که با بوی بر کت آمیخته اند، هوای زندگی تازه جوانسان را از عطری



عامل بهبود شرايط أينده ووضع زندكي فرزندان شان

همیاری در تشکیل بانک های خانگی

ز همیاریهـای اقتصادی زنانهای که به س فراگیر بدل شده است و امروزه در هر گوشه و کنار کرد. در این گونه بانکها بیشــتر شــرکتکنن : نانی خانهدار ند که با پشتوانه پس انداز خانگی، برای . بهتر کردن شُرایط اقتصادی و پاسخ به نیاز های کوتاه و به بلندمدتخودوخانواده چنین راهی در پیش گرفته و ازنتيجه آن خشنودند.

"." پایه گذاری چنین بانکهایی در دل زندگی جامعه ۳.. رک ۳. یک بر کار گار شهری امروز درخور توجه و بسیار مهم است. در شرایط سخت اقتصادی سالهای اخیر و با توجه به سود نه چندان چشمگیر بانکی و نیز سختگیری

بانکها در ارایه تسهیلات و سرانجام، بهره بالا، رونق این بانکهای خانگی رو به افزایش است. این بانکهای خانگی از مبالغ کم تاحتی ۵۰ میلیون تومان به اعضای خود وام می دهند. برای تشکیل چنین بانکهایی، اعضای یک خانواده به همراه دوستان و آشنایان یا همسایگان خود که عمدتازن هستندو به شرکت در این گونه پس انداز و وام تمایل دارند، جمع می شسوند و پول یکسسانی را روی هم می گذارند. برای ارایه وام روی یا سے کی در روی مہامی لازم است کسے مدیریت صندوق را تقبل کنند این مسئولیت برعهده عضو معتمد و منتخب اعضاست. پس از آن قرعه کشے انجام می شود و همه آنچه که

بانگهای نانهنیازهار ابرطرف می کنند زنان به وسیله شرکت در این نُوع بانکها برای

برگزاری مراسم از دواج، تهیه جهیزیه، درمان بیماری، ر فتن به سفرهای زیارتی و دیگر نیازهای خود می توانند برنامه بریزندونیاز خودرارفع کنند. شرکت زنان در این نوع بانکها، گونهای همراهی و همکاری نتماعی-اقتصادی را پدیداً ورده است. به هر روی وبادر نظر گرفتن زوایای مختلف تشکیل

و کار کرِّدٌ بَاتَکُ های خَانگی بآیــد گفت بی تردید این ر کر ر . تجربه گروهی به مثابه زنده کردن سن . ر. روسی به سبه رسه بردن سینتهای قدیم در جامعه جدید و براساس شرایط زندگی، ارزشمند و در خور توجه است. این همیاری به ویژه در جامعه روز گاری را ب یاد می آورد کُ اینگونه همُدلی ها و همیاری ها سکه رایج روز گار به شمار می آمدند. این و ماندگار، ه

سایه اســـتیصال و رنج را بر سر مردم گسترانید و آنان را تــا مدتها رها نکرد. «ســلماس دگر باُره شَــُداز زلزله ویراُن/ یارب چه رموزی استُ در این گوشــه ایــران ... هر تیر بــلا میجهداز قُوس طبيعت/ اول هدفش ميشود اين خطه ويران ... آيا مگر اين نقطه فتاده است به بيرون

كمكهاى ديگر براى زلزلهزدگان

دمحهای دیخر برای رنز نمرد دان سلماس از راه می_ارسد نیروههای دولتی و غیردولتی باانتشار خبر زلزله، برای یاری رساندن به مردم سلماس راههی شدند. بیمارستانی موقت توسط ماموران دولتی در خوی برپا شد تا از بیماران



در ساعت ۱۰ صبح روی داد و به خرابی چند دکان و خانه و مرگ ۱۵ نفر انجامید. مردم، بخشــُی از شــهُر رُا خالی کردنَد. روســتاهُای هفتــوان، کوچهمیش و کلشــان نیــز تخریب شدند. گفته شده است که در روستای هفتوان چنــد خانه بــه کلي ویران شــده و یــک زن و کودک زیر خروار آوار ماندند. در ۲ روستای کوچهمیش و کلشان اما همه خانه ها فروریخت و چند نفر کشته شدند. در روستاهای دورتر از بُركز زلزله، ديوارها ترك خُورد و به مردم كه تر سيب رسيد. اين زلزله درواقع مقدمه زلزله بزرگ هفدهم اردیبهشت و هشداری به مردم سلماس بود تا خود را به جاهایی امن برسانند و تا آن جا کـه می توانند از خانههای سست و

جُاهای سر پوشیده و ناامن فاصله بگیرند. تدابیر فرمانده پادگان سلماس یاری رسان مردم شد

فرمانده سربازخانه سلماس در این روز، نقش مهـم برعهده گرفت. وی با هشــدار به مردم درباره نخوابیدن آنها زیر سقف خانه ها، همچنیس سربازخانه را به حالت آماده باش درآورد و بیسرون از دیوارهای پدادگان نگهداشت. این سربازان در ۱۷ اردیبهشت برای نجات مردم کمکهایی تحسین برانگیز انجام دادند. زلزله ۱۷ اردیبهشت در ساعت ۷:۳رخ داد. ۱۵ ساعت پس از آن، در نیمهشب زلزلهای رتی مهیب، شهر سلماس را به کلی خت. شهر به ویرانهای تبدیل شد. از ت دادن جان و فرزندان و مــال و خانمان ن . ـ ن و حررسان و مصال و حاممان ،چهره شهر را مصیبتزده و غمناک کرد. آنچه از تصویرهای آن روزگار بر جای مانده است. از تنهایسی و غم کسانی حکایست دارد که از زلزله جان به در برده، روی ویرانهها ایستاده و به لنز دوربین عکاسان نگریستهاند. سرودهای از شاعری گمنام به جای مانده که گویای روشنی از پیشینه تاریخی سخت سلماس است و روزگاری را حکایت می کند که زلزله،

ســـلماس بر پا شُـــد. خانههایی موقت، پُیراموُن شــهر خــوی، بــرای نجات یافتـــگان از زلزله سلماس ساخته شد تا برای روزگار سخت و تلخ آنان سريناهي باشد. م شهر سلماس جدید در یک کیلومتری شهر سلماس جدید در یک کیلومتری

دیلمقان جان می گیرد

دیلمقان جان می گیرد

شد، شهر جدید در یک کیلومتری مادی

با نام دیلمقان، مکان کنون ساماس با نشد،

شهر سازی و مهندسی و به شکل شطرنجی

شهرسازی و مهندسی و به شکل شطرنجی

توسط مهندس اسداله خاورزمین طرح برنزی

سلماس، تکهرمینیی گرفتند تبا در آن خانه

سیازند نجانیافتگان از زارله بدین تریب با

همه ناخره: ها، خاجان از کان دیسترای دست و

همه ناخوشیها و خاطرات تلخ از دست دادن کسان شــَان، زندگی دوباُره را در شــهر جدید سلماس آغاز کردند؛ شــهری با ساختمانهای تازه که اندکی می توانست خاطره زلزله را از ذهن ساکنانش بزداید. این زلزله تا آن انسدازه دهشتناک بود که

ـــی ر بر ســـال ۱۹۳۰ میلادی در تاریخ زلزلهشناس به نام زلزله ســلماس نامگذاری شــده اســ ۲هـزار و ۵۰۰ تـ ۴هزار نفر در ایس زلزله کشته شدند دامنه زلزله تا مرز ترکیه را نیز لرزانــد. امــروزه از ویرانههای ســلماس قدیم جز بقایای یک مسجد و سنگهای منشوری ستون هایش، چیزی بــه جای نمانده اســ سازمان میراث فرهنگی اکنون از این بقایا محافظت می کند و از آن به عنوان یادمانی از زلزلــه ویرانگر بــرای عبرتآمــوزی آیندگان، تلاش بــرای جلوگیــری از آســیبهای دیگر زلزله های احتمالی و رعایت اصول مهنده ايجُاد ساختمانها ياُد مىشود.



یاوری در از دواجهای مردمان سرزمین دیلمان **زنومرد،زمینوزندگی**



ت گره خورده است و از راه کشاورزی و دامداری روز گار می گذرانند، همدلی ها در مراسم از دواج و پهنه نِنْدُكَى به عرصُه كار هم كشيده مَى شوٰدَ ايُن جَاسَت کەزنومرددر کنار ھمنقش مىسازند.

رسم قدیم یاوری در این خطه، همدلی و همیاری مردم را در عرصه کار نشان می دهد. پسر یا داماد برای کمک به پدر همسر خود، پیش از از دواج به

شیوهای نمادین به همراه دوســتانش راهی منزل او میشود. شــالیکاری، ریختن کلش روی بام خانهها ونوغانُ دارى، ازجمُله كارهايي استُ كه داماد انجام میدهد. این رسم پس از ازدواج نیز همچنان ادامه می دهند این رســم پس از از دواج نیر مــپ ب دارد. دامـــاد خانواده، بدین گونه همیـــاری خود را در ا

نیز در برابر این یــاوری به کمک مادر همســ، خود

و مصر ما در به خانواده عروس در جریان است. چیدن خوشسههای برنج با عروس و زنان خانواده او صورت می گیرد و برشسته کردن دانهها برعهدوزنان خانواده تُ. دُر جريانُ مراسمي كهُ براي بُرىْ و بردن آن صورت می گیرد، زنان همواره کارهای و پردس را انجام می دهند. ایس پیوند زن و طبیعت و برکت با اندیشـههای اسـطورهای که زن را زمین مُیداند، بسیار معنادار است؛ زمینی که از اَن سُبزی میروید وبر کتبخش و زاینده است و زنی که زاینده

میرود. او با گروهی از دوستانش برای چای چینی یا شالیکاری، ماد همی شده ا شالیکاری، مادر همسر خود را پاری می دهد. یاوری رفتن عروس هامعمولا باساز و آواز و خواندن ترانههای . جمعی همراه است و به شیوهای جیناب برگزار

پایان نمی پذیرد. گوندای دیگر از یاوری با عنوان ہ" جو کول کشــی تکمیل کننــدہ این ســنت نیکو و پسندیدہ در خطہ گیلان اســت. جو کول به خوشه نیمهرس شالی گفته می شود که تازه به صورت دانه در آمده است. سنبله های برنج را دسته کرده، دانه ها راروی آتش می گذارند تا برشته شود. سیس مقداری